



## Identifying the Effect of Key Components of Knowledge City on Knowledge Transfer

Nazila Mehrabi 

\*Corresponding author, Ph.D. candidate, Knowledge and Information Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: nazila.mehrabi1214@gmail.com

### Abstract

**Objective:** In today's age, having military and war power can no longer be considered as a global power, but global power is achieved through knowledge and ways to achieve it. Due to the increasing development and production of knowledge, a new concept has been created under the title of knowledge city, which has attracted the attention of the world. Today, knowledge city is one of the important issues in urban development. A knowledge city is a city that has encouraged, continuous production of knowledge, continuous creativity, sharing, evaluation, renovation and updating of knowledge in order to develop knowledge. Considering the importance of knowledge in the city of knowledge, the aim of this research is to identify the impact of the key components of the city of knowledge in transferring knowledge.

**Methodology:** The present research is applied in terms of purpose and descriptive in terms of method. Library and field methods were used to collect information. The data collection tool in this research was a closed questionnaire that consists of 110 questions. In order to determine the reliability and validity of the questionnaire, the method of content validity with the opinion of experts has been used. In this research, two criteria of composite reliability (CR) and average variance extracted (AVE) were used to determine the reliability of the questionnaire. The professors of information science and epistemology, who had expertise in the field of knowledge management, formed the statistical community of this research. In the present study, 30 people were selected using the purposeful sampling method. In order to analyze the data, SPSS and PLS software were used.

**Findings:** The findings indicate that the key components identified in Knowledge city include 7 components: social conditions, strategic conditions, technological conditions, political conditions, financial conditions, the component of environmental conditions, and finally the component of urban management. The present study investigated the effect of each of the components on knowledge transfer, which the components of strategic situation, political conditions, financial situation, and environmental conditions have a significant effect on knowledge transfer, and in contrast to the social conditions, the conditions Technological and urban management components have no effect on knowledge transfer.

**Conclusion:** Based on the investigations, some components of knowledge city can be effective in knowledge transfer. It seems that there is a need to strengthen the foundation of the components of the strategic situation, the political situation, the financial situation, and the environmental conditions that have a positive and significant effect on knowledge transfer, because knowledge transfer can contribute to the development and the productivity of knowledge city has an important role

**Keywords:** Knowledge, Knowledge city, Social conditions, Strategic conditions, Technological conditions, Political conditions, Financial conditions, Environmental conditions, Urban management, Knowledge transfer

**Article type:** Research

**How to cite:**

Mehrabi, N. (2023). Identifying the Effect of Key Components of Knowledge City on Knowledge Transfer. *Library and Information Sciences*, 26(3), 187-207.



**ARTICLE INFO**

---

**Article history:**

Received: 18/08/2023

Received in revised form: 14/09/2023

Accepted: 28/09/2023

Available online: 29/01/2024


Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi

Library and Information Sciences, 2023, Vol. 26, No. 3, pp. 187-207.

© The author



## شناسایی تأثیر مؤلفه‌های کلیدی شهر دانش بر انتقال دانش

نازیلا محرابی 

\*نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: nazila.mehrabi1214@gmail.com

### چکیده

**هدف:** شهر دانش امروزه یکی از موضوعات مهم در توسعه شهری به شمار می‌رود. شهر دانشی، شهری است که به منظور توسعه دانایی محور اقدام به تشویق، تولید مداوم دانش، خلاقیت مستمر، اشتراک‌گذاری، ارزیابی، نوسازی و به‌روزرسانی دانش کرده است. با توجه به اهمیت دانش در شهر دانش هدف پژوهش حاضر این است که به شناسایی تأثیر مؤلفه‌های کلیدی شهر دانش در انتقال دانش بپردازد.

**روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی است. جهت گردآوری اطلاعات از شیوه‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش یک پرسشنامه بسته بود که متشکل از ۱۱۰ پرسش است. جهت تعیین اعتبار و روایی پرسشنامه در این پژوهش از روش روایی محتوا با نظر خبرگان استفاده شده است. در این پژوهش برای تعیین پایایی پرسشنامه از دو معیار پایایی مرکب (CR) و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده گردیده است. اساتید رشته علم‌اطلاعات و دانش‌شناسی که در حوزه مدیریت دانش دارای تخصص بودند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. در پژوهش حاضر تعداد ۳۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و PLS استفاده شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های به دست آمده در پژوهش حاضر نشانگر آن است که مؤلفه‌های کلیدی شناسایی شده شهر دانش شامل ۷ مؤلفه عبارت از شرایط اجتماعی، وضعیت استراتژیک، وضعیت تکنولوژیک، شرایط سیاسی، وضعیت مالی، شرایط محیطی و در نهایت مدیریت شهری است. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر هر کدام از مؤلفه‌ها بر انتقال دانش پرداخت که مؤلفه‌های وضعیت استراتژیک، مؤلفه شرایط سیاسی، مؤلفه وضعیت مالی و مؤلفه شرایط محیطی تأثیر معنی‌داری بر انتقال دانش دارند و در مقابل مؤلفه‌های شرایط اجتماعی، مؤلفه شرایط تکنولوژیک و مؤلفه مدیریت شهری تأثیری بر انتقال دانش ندارند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج کسب شده نشان داد که در انتقال دانش نیز مؤلفه‌های شهر دانشی می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند. به نظر می‌رسد که باید به تقویت بسترسازی مؤلفه‌های وضعیت استراتژیک، مؤلفه شرایط سیاسی، مؤلفه وضعیت مالی و مؤلفه شرایط محیطی که در انتقال دانش تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند، پرداخته شود، چرا که انتقال دانش می‌تواند در توسعه و بهره‌وری شهر دانش نقش مهمی را داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت دانش، شهر دانش، شرایط اجتماعی، وضعیت استراتژیک، وضعیت تکنولوژیک، شرایط سیاسی، وضعیت مالی، شرایط محیطی، مدیریت شهری، انتقال دانش

**نوع مقاله:** پژوهشی

**استناد:**

محرابی، نازیلا (۱۴۰۲). شناسایی تأثیر مؤلفه‌های کلیدی شهر دانش بر انتقال دانش. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۶(۳)، ۱۸۷-۲۰۷.

**تاریخچه مقاله:**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۲۷ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۹

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۲، دوره ۲۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۰۳، صص. ۱۸۷-۲۰۷.

© نویسنده



## مقدمه

در طول تاریخ، دانش همواره به عنوان یک سرمایه و سرچشمه مهم و کلیدی برای تولید و حفظ یک جامعه بوده است. در عصر حاضر دیگر داشتن قدرت نظامی و جنگی نمی‌تواند به عنوان یک قدرت جهانی تلقی شود، بلکه قدرت جهانی از طریق دانش و راه‌های رسیدن به آن حاصل می‌شود. به علت گسترش و تولید فزاینده دانش، مفهومی نوین تحت عنوان شهر دانشی خلق شده است که توجه جهانیان را به خود جلب کرده است.

مفهوم شهر دانشی که زیرشاخه توسعه دانش‌بنیان محسوب می‌شود یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌هایی است که بشر تاکنون با آن مواجه بوده و شاید برای سیر تکاملی آینده بشر یکی از حیاتی‌ترین پدیده‌ها باشد (ارگازاکیس و دیگران، ۲۰۰۷، به نقل از رزمی و دیگران، ۱۳۹۵). شهر دانش امروزه یکی از موضوعات مهم در توسعه شهری به شمار می‌رود و سبب جلب توجه اندیشمندان و سیاستگذاران شهری به این مبحث شده است. بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل در سال ۲۰۳۰، ۶۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد و نیاز به ایجاد زیرساخت بر مبنای دانش در آن‌ها احساس می‌شود. اغلب رشد این شهرها از طریق وجود زیرساخت‌ها و جذب متخصصین ناشی از این زیرساخت‌ها در شهر و منطقه است. یک پرسش اساسی برای سیاستگذاران شهری این است که چگونه می‌توان دانش این متخصصین را به صورت بهینه و مؤثر به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت کرد تا سبب رشد اقتصادی در شهر شود؟ صاحب‌نظران توسعه و مدیریت شهری، ایجاد شهر دانش را پاسخ پرسش فوق می‌دانند و معتقدند که اگر چه محدودیت منابع انسانی مانعی مهم در امر توسعه شهری است، اما در کنار این امر، توسعه شهرها نیازمند ایجاد زیرساخت‌ها بر مبنای دانش است (چن و چونگ، ۲۰۰۴).

جهت درک بهتر از شهر دانشی در ابتدا تعاریفی بیان می‌شود. اولین تعریف برای شهر دانش، بیان می‌کند که شهر دانش، شهری است که به طور هدفمند برای تشویق و پرورش دانش طراحی شده است (ادوینسون، ۲۰۰۶). اول (۲۰۰۴) معتقد است که شهر دانش شهری است که سعی در ارزشمند نمودن و بالا بردن سطح تمام مناطق جامعه را دارد و حمایت فرهنگی و توسعه اقتصادی را در تمامی ابعاد دنبال می‌کند و استانداردهای زندگی را افزایش می‌دهد. شهر دانش محور به مثابه چتری است که موجودیت‌های جغرافیایی را در بر می‌گیرد و بر تولید دانش تمرکز می‌کند. واضح است که مفهوم شهر دانش محور بیانگر دیدگاه سیستمی جامع و خلاق از شهرهاست و در این راستا شهرها به عنوان زیستگاه‌های پویا و با تغییر و تحول پیوسته در نظر گرفته می‌شوند. شهر دانش محور شهری است که در پی خلق ارزش در تمامی حوزه‌های خود است و سبب افزایش در

1. Ergazakis & et al
2. Chen & Chong
3. Edvinson
4. Ovalle

استانداردهای زندگی، پشتیبانی فرهنگی و توسعه اقتصادی می‌شود (ملایی و دیگران، ۱۳۹۳). ارگازاکیس و دیگران (۲۰۰۴) معتقدند که شهر دانشی، شهری است که به منظور توسعه دانایی محور اقدام به تشویق، تولید مداوم دانش، خلاقیت مستمر، اشتراک‌گذاری، ارزیابی، نوسازی و به‌روزرسانی دانش کرده است. این امر می‌تواند به وسیله تعامل مستمر میان افراد و سازمان‌ها با یکدیگر و با افراد و سازمان‌های سایر شهرها تحقق یابد. فرهنگ به اشتراک‌گذاری و انتقال دانش، طراحی مناسب شهری، زیرساخت‌ها و شبکه‌های آی تی این تعاملات را بهبود می‌دهد؛ بنابراین، شهر دانش محور شهری است که با هدف توسعه دانش محور اقدام به تشویق مستمر فرایندهای مدیریت دانش می‌کند. طی چند سال اخیر مدیریت دانش تبدیل به یک رویکرد مدیریت راهبردی شده و کاربردهایی را در اکثر سازمان‌ها، حکومت، سازمان‌های بین‌المللی و مواردی از این قبیل پیدا کرده است. با توجه به کارکردهای مدیریت دانش می‌توان اینچنین گفت که این نوع مدیریت می‌تواند در توسعه دانش‌بنیان نقش داشته باشد و همچنین بین توسعه دانش‌بنیان و مدیریت دانش یک رابطه و پیوندی محکم حاکم است. رویکرد توسعه دانش‌بنیان نخستین بار در سال ۱۹۹۵ برای احیای شهرهای صنعتی اروپا و آمریکا از طریق ارتقای ظرفیت‌های انسانی، نهادی و ایجاد محیط‌های مساعد خلاقیت، نوآوری، آموزش و تغییر شکل گرفت. منظور از توسعه در اینجا نه تنها رشد اقتصادی است بلکه تمام عواملی که کیفیت زندگی و پایداری در یک زمینه بین‌المللی را منعکس می‌کند، شامل می‌شود و بنابراین از فعالیت‌های تولیدمحور کاملاً متفاوت است (ونگ و لیهوا، ۲۰۰۶). این پیوند جدید بین مدیریت دانش و توسعه دانش‌بنیان، محیطی را جهت ظهور مفهومی جدید در جامعه علمی ایجاد کرده است و آن مفهوم «شهر دانشی» است که به چند تعریف از شهر دانش در بخش بالا پرداخته شد. فرآیند ایجاد یک شهر دانشی نه آسان و نه سریع است. این مفهوم در واقع به ابعاد مختلفی از زندگی در شهرها مربوط می‌شود. هر تلاشی برای ایجاد شهر دانشی باید فعالانه از سوی کل جامعه مورد حمایت قرار گیرد. این امر نیازمند یک راهبرد منسجم است که با بررسی نقاط قوت شهر، اراده سیاسی دولت محلی، محیط قانون‌گذاری، منابع و توانایی جمعیت ساکن در ایجاد فرهنگ تسهیم دانش آغاز می‌شود. از سوی دیگر، بشر با مفهومی تحت عنوان انتقال دانش نیز روبه‌رو شده است. در انتقال دانش تبادل دانش به صورت رسمی است و این جریان دانش به صورت رایگان نیست؛ بنابراین، فقط شرکت‌هایی که با هم در ارتباط هستند ممکن است از مزایای آن بهره‌مند گردند. در مبحث انتقال دانش، بحث انتقال رسمی مطرح است. دانش نه تنها از شخص به تیم یا گروه و از گروه به شخصی انتقال می‌یابد، بلکه از یک فرد، به فرد دیگر و از گروه به گروه دیگر نیز انتقال پیدا می‌کند (پرسون، ۲۰۰۷). یک کارمند از همکار اتاق مجاور خود در مورد چگونگی درخواست

1. Wang &amp; Lihua

2. pehrsson

بودجه سؤال می‌کند، عملاً انتقال دانش را درخواست داده است. منظور از انتقال دانش به زعم برخی از نویسندگان، بالا بردن ارزش کارها و در نهایت افزایش توانایی سازمان در انجام آن است و اگر جذب و انتقال دانش همراه با هم تحقق نپذیرد، انتقال دانش مؤثر و کارساز نخواهد بود (آنانتاتمولولا، ۲۰۰۶). در عصر حاضر که به عصر اطلاعات و دانش موسوم است، مزیت رقابتی در تمامی موارد، سرمایه دانشی است. بنابراین، سازمان‌ها یقین دارند که برای حفظ رقابت و پایداری باید منابع و فعالیت‌های فکری خود را مدیریت کرده و به کسب و انتقال دانش و استفاده از دانش بپردازند.

انتقال دانش از جمله فرایندهایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. زمانی که انتقال دانش در سازمان‌ها یا شهر و کشورها اتفاق می‌افتد، مزایای زیادی را به همراه دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به جمع‌آوری و انتشار دانش، دسترسی به اطلاعات کلیدی مربوط به حوزه‌های مورد نظر، از بین بردن محدودیت‌های زمانی و مکانی در ارتباطات، ایجاد محیطی برای پیشروی و توسعه، بهبود فرهنگ، بهبود کیفیت خدمات، افزایش بهره‌وری و مواردی از این قبیل اشاره کرد. از اهمیت انتقال دانش می‌توان بیان کرد که باعث افزایش توانایی در انجام کارها در سازمان‌ها، شهرها و کشورها می‌شود و در نهایت بالا بردن ارزش را به همراه دارد. انتقال دانش با زمینه‌ها، دیدگاه‌ها و انگیزه‌های مختلف یک قدم مهم و اساسی در جهت تولید دانش جدید و کارآمد است. از جمله اهداف مهم انتقال دانش، افزایش بهره‌وری از دانش موجود، یادگیری کارآمدتر و مؤثرتر نیروهای انسانی، ارائه کالا و خدمات با ارزش افزوده بیشتر و رضایتمندی افراد است که اگر انتقال دانش صورت نگیرد هیچ کدام از موارد گفته شده تحقق نمی‌یابد. در واقع انتقال دانش به عنوان فرایندی مطرح است که طی آن یک سازمان، شهر و کشور به تولید ثروت از دانش یا سرمایه فکری خود می‌پردازد. عدم انتقال دانش از مکانی به مکان دیگر در حقیقت به نوعی رکود ماندن دانش و یا کهنگی دانش را به دنبال دارد. زمانی که انتقال دانش صورت نمی‌گیرد باعث هدر رفت زمان و منابع مالی می‌شود؛ بنابراین، ضروری است که فرهنگ انتقال دانش رایج شود تا سبب گردد تصمیم‌گیری‌های عاقلانه‌تر و همه‌جانبه‌ای داشته باشیم. همان‌طور که گفته شد از آنجایی که عصر حاضر دانش محور است و مدیریت دانش و بهره بردن از آن مزیت رقابتی ایجاد می‌کند، به منظور افزایش بهره‌وری و اثربخشی و بهبود تصمیم‌گیری باید به انتقال دانش پرداخته شود. بنابراین، در یک شهر دانشی نیاز است که انتقال دانش به صورت مستمر صورت گیرد، چرا که این کار باعث پویایی و تولید دانش جدید می‌شود و نوآوری را به دنبال دارد. از جمله عوامل مختلفی که در انتقال دانش نقش دارند می‌توان به مؤلفه‌های شهر دانشی اشاره کرد. همان‌طور که گفته شد انتقال دانش نقش بسیار مهمی در توسعه و پیشروی جامعه دارد. با توجه به این

که شهر دانشی نیز بر پایه دانش استوار است، نیاز است که در آن به انتقال دانش دقت شود. منظور این است که در صورتی که انتقال دانش به درستی اجرا شود، دانش‌های موجود و جدید می‌توانند در پیشرفت شهر دانشی نقش داشته باشند و حتی نوآوری را ارمغان بیاورند. به طور کلی، می‌توان گفت که شهر دانشی در صورتی می‌تواند پایدار بماند که در آن دانش مورد مبادله قرار گیرد و در عین حال در مکان و زمان مناسب خود از آن استفاده شود. به همین دلیل پژوهش حاضر در نظر دارد که به شناسایی تأثیر مؤلفه‌های شهر دانشی بر انتقال دانش بپردازد. با توجه به اهمیت دانش در دنیای امروز و تبدیل شدن به شهر دانشی، پی بردن به این تأثیرات می‌تواند عاملی جهت ایجاد انگیزه برای حرکت به سمت شهرهای دانشی باشد.

### پرسش‌های پژوهش

۱. آیا شرایط اجتماعی بر انتقال دانش تأثیر دارد؟
۲. آیا وضعیت استراتژیک بر انتقال دانش تأثیر دارد؟
۳. آیا وضعیت تکنولوژیک بر انتقال دانش تأثیر دارد؟
۴. آیا شرایط سیاسی بر انتقال دانش تأثیر دارد؟
۵. آیا وضعیت مالی بر انتقال دانش تأثیر دارد؟
۶. آیا شرایط محیطی بر انتقال دانش تأثیر دارد؟
۷. آیا نحوه مدیریت شهری بر انتقال دانش تأثیر دارد؟

### پیشینه پژوهش

#### پیشینه پژوهش در داخل کشور

خوارزمی و ربانی‌ابوالفضل (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رویکرد توسعه شهری دانش‌محور مبتنی بر فناوری اطلاعات» به آشکارسازی مفهوم توسعه شهر دانش‌محور و معیارهای آن جهت به کارگیری این رویکرد برای کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی در شهرها پرداختند. در این پژوهش با بررسی معیارهای حاکم در شهرهای دانش، الگویی در چهار قلمرو اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و مدیریتی ارائه گردید.

برازی و مشرف‌جوادی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقش کارگزاران دانشی مهاجر در توسعه شهر دانش‌محور» با هدف موضوع مهاجرت به شهر دانش پرداختند. یافته‌ها نشان داد که دلایل متعددی از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان پیشران‌های مهاجرت کارکنان و کارگران به این شهر وجود دارد. کارگران مهاجر دانشی (داخلی) بیشتر در حوزه‌های تخصصی پیشین خود (قبل از مهاجرت) فعالیت می‌کنند و سطوح بالاتری از فعالیت‌های تخصصی را دنبال می‌کنند. در حالی که هم‌تایان آن‌ها (مهاجران

خارجی) حاضرند در سطح پایین‌تری از مشاغل نیز مشغول به کار شوند که سطح درآمد آن‌ها در سطوح بالا با هم متفاوت است.

رفیعیان و مرتضوی (۱۳۹۵) در پژوهشی پیمایشی با عنوان «اهمیت توسعه دانش بنیان شهری و شهر دانش‌مدار در اقتصاد دانش بنیان» به اهمیت خط مشی توسعه دانش بنیان شهری پرداختند. نتایج نشان داد که شهرهای امروزی در صورتی که بر پایه دانش و برخورداری از شهروندانی دانشی باشند به خوبی قادر خواهند بود در مدار توسعه پایدار به حرکت و رشد پرشتاب خود ادامه دهند و نقش اساسی را در پیشبرد اهداف اقتصاد دانش بنیان به عهده بگیرند. توسعه شهر دانش بنیان اشاره به شهرهایی است که شرایط مناسب اجتماعی و اقتصادی فضایی و محیطی برای فعالان دانشی را فراهم می‌کند.

رفیعیان و حق‌روستا (۱۳۹۸) در پژوهشی پیمایشی با عنوان «شهر دانش‌محور؛ حلقه ضروری اتصال به شهر آینده» به توسعه شهری پایدار و پیشرفت اقتصادی پرداختند. نتایج نشان داد که برنامه‌ریزی خردگرا و برنامه‌ریزی جامع تحت تأثیر اقتصاد سرمایه‌داری بودند. در برنامه‌ریزی مشارکتی ردپای اقتصاد دانش‌محور مشاهده می‌شود؛ به طوری که نقش برنامه‌ریز از دانای کل به تسهیل‌گر تغییر کرده و پایه‌های اقتصادی برنامه‌ریزی نیز از اقتصاد سرمایه‌داری به سمت اقتصاد دانش بنیان حرکت کرده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد نظریات برنامه‌ریزی آینده، به سمت رویکرد مبتنی بر برنامه‌ریزی دانش‌محور در حرکت باشند.

عابدینی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی پیمایشی با عنوان «امکان‌سنجی اجرای شهر دانش بنیان در کلان‌شهر تبریز با رویکرد توسعه مبتنی بر دانش» به ارائه راهکاری مناسب برای رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی پرداختند. نتایج نشان داد که کلیه شاخص‌های توسعه مبتنی بر دانش در کلان‌شهر تبریز در وضعیت خوب و بالاتر از متوسط ارزیابی شده‌اند و این مطلب حاکی از آن است که متغیر درمان دانش‌محور در وضعیت بهتر و مساعدتری نسبت به سایر متغیرهای شهر دانش بنیان قرار دارد. همچنین، کلان‌شهر تبریز پتانسیل‌ها و زمینه‌های لازم برای تبدیل شدن به یک شهر دانش بنیان را دارد.

مهدنژاد و زنگانه (۱۴۰۲) در پژوهشی مروری با عنوان «ارائه مدل مفهومی توسعه شهری دانش بنیان به منظور برنامه‌ریزی و مطلوبیت‌بخشی شهرهای آینده» به ارائه یک مدل مفهومی پرداختند. نتایج نشان داد که مدل نظری توسعه شهری دانش بنیان منوط به وجود شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، مقوله محوری، پیامدها و راهبردهاست.



## پیشینه پژوهش در خارج از کشور

کاپلن<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش پیمایشی به «رشد، مصرف و شهر دانشی» پرداختند. یافته‌ها نشان داد که شهرها از مراکز مهم فعالیت‌های خدمات و مراکز دانش جدید هستند چون که ساختار تولید و مصرف در شهرهای پسا صنعتی با اتکا به ادبیات اقتصادی تغییر کرده و در زمینه‌های مرتبطی مانند توسعه درون‌زا، خوشه‌های صنعتی، منطقه‌ای توسعه دانش فشرده خدمات کسب و کاری عوامل منطقه‌ای نوآوری و خلق دانش خود را نشان می‌دهد که موجب افزایش تعامل بین امر تولید و کاربران برای توسعه خدمات جدید در شهرها می‌شود و منجر به تولید یک شهر مدرن می‌شود.

ریوز و دیگران<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «ساخت شاخص شهر دانش: چشم‌انداز سرمایه فکری» به رتبه‌بندی شاخص‌های چشم‌انداز فکری پرداختند. یافته‌ها نشان داد که در مقیاس محلی ثروتمندترین شهرها، دارای ظرفیت بیشتری برای رشد فاکتورهای دانش هستند و پایدارتر عمل می‌کنند. و همچنین شهرهایی که دارای توازن بهتر بین عوامل دانش و رشد پایدار هستند، موضع‌های بالا را اشغال می‌کنند و ظرفیت بیشتری برای رشد دانش‌بنیان دارند.

بولو و دیگران<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی پیمایشی به «بررسی الگوریتم‌های کاربردی فناوری اطلاعات شهر دانش‌بنیان نوظهور استانبول» پرداختند. یافته‌ها نشان داد که هدف مهم شهرهای دانش‌بنیان نوظهور حفظ شرایط زندگی با کیفیت بالا برای ساکنان آن است که با مدیریت علمی و مناسب زیربنایی شهر که شامل شبکه‌های حمل و نقل، برق، خطوط آب، کاهش هزینه‌ها و کارایی منابع و زیرساخت‌هاست به حداکثر می‌رسد. آدامز و کراس<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «پیشنهاد شهر دانشی برای کارائیب- یک مقصد سرمایه‌گذاری برای کیفیت آموزش عالی» به بررسی شهر دانشی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که یک شهر دانشی به عنوان دارنده دانش نوآورانه منطقه شناخته می‌شود. همچنین به توان بالقوه و مزیت شهرها در پذیرش ویژگی‌های شهر دانشی، مانند زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، کسب و کار و نیازهای دولتی توجه شده است. همین‌طور به مزایای بالقوه کارائیب را برای ارتقا به شهر دانشی، مانند مقرون به صرفه بودن، دسترسی، آموزش با کیفیت عالی، ایجاد شغل، افزایش صادرات و ارتقای وضعیت اقتصادی اشاره شد.

تولی<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی توصیفی-پیمایشی با عنوان «مهاجرت و شهر دانش: مطالعه موردی ملبورن جهانی» به ارائه چارچوبی مفهومی پرداخت. نتایج نشان داد که تحلیل استراتژی‌های برنامه‌ریزی شهری، به

---

1. Cappellin  
2. Ruiz & et al  
3. Bulu & et al  
4. Cross & Adams  
5. Tuli

اهمیت تنوع اقتصاد دانش، جذب و حفظ استعداد‌های متحرک جهانی و توسعه شهری نوآورانه محور برای یک شهر دانش جهانی اشاره می‌کنند. این استراتژی‌ها نه تنها برای ملبورن توصیه می‌شوند، بلکه برای شهرهای دیگر با ویژگی‌های مشابه نیز قابل اجرا هستند.

تولی و دیگران (۲۰۱۹) در توصیفی - پیمایشی با عنوان «برنامه‌ریزی یک شهر دانش جهانی: تجربه‌ای از ملبورن استرالیا» به بررسی تغییر سیاست‌های برنامه‌ریزی برای شکل دادن به یک شهر دانشی پرداختند. نتایج نشان داد که فقدان یک سیاست ملی و هماهنگی مشکل‌ساز بین دولتی در جهت‌های استراتژیک و عدم تمرکز بر سرمایه انسانی بدون توجه به استعداد‌های داخلی و دانشجویان بین‌المللی، ملبورن را از دستیابی کامل به پتانسیل خود به عنوان یک شهر دانش جهانی محدود می‌کند. با تکیه بر این یافته‌ها، این مطالعه با بحث در مورد اثربخشی چارچوب ساخته‌شده در مفهوم‌سازی «شهر دانش جهانی» و تحلیل خط‌مشی به پایان می‌رسد. همچنین این پژوهش به چند محدودیت این مطالعه اکتشافی اشاره می‌کند که نیازمند پژوهش‌های بیشتر است. ژائو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «ساخت شهر دانش در عصر تحول: توسعه شهری مبتنی بر دانش در پکن در زمینه جهانی شدن و تمرکززدایی» به آشکار کردن تأثیر نیروهای هم‌افزایی جهانی شدن و توسعه شهری مبتنی بر دانش پرداختند. نتایج نشان داد که با توجه به رشد سریع بخش صنعت فرهنگی، توسعه شهری دانش‌محور انواع مختلفی از «مناطق خوشه‌ای صنعت فرهنگی» را ایجاد کرده است و نیروهای محلی و جهانی «هم‌افزایی» با ظهور یک رژیم ائتلافی محلی که در آن دولت محلی توسعه محلی را مدیریت می‌کند و در فرآیند تمرکززدایی به عنوان «شرکت» در نظر گرفته می‌شود، در حالی که دولت تأثیر قابل توجهی بر دانش مبتنی بر دانش را حفظ می‌کند، پیش‌رو توسعه شهری مبتنی بر دانش هستند. دولت‌های مرکزی و شهری بر استراتژی‌هایی برای «تسهیل اقلیم برای رشد» تأکید دارند.

هو و دیگران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «توسعه، نوآوری، تحریک دایره‌ای برای یک شهر دانش‌بنیان» به بررسی عوامل کلیدی تشویق به توسعه یک شهر دانش‌بنیان پرداختند. نتایج نشان داد که پارک علمی با ایجاد یک مدل نوآوری پویا بر اساس تحریک دایره‌ای بازخورد دانش برای ساخت یک محیط شهری و مجموعه‌ای از شبکه‌های استعداد، به عنوان یک موتور دانش بسیار تحریک‌شده و بسیار تعاملی عمل می‌کند. شهر در نهایت به یک چرخه با فضیلت برای نوآوری می‌رسد و به عوامل حیاتی برای تکامل یک شهر دانش‌بنیان دست می‌یابد.

1. Tuli &amp; et al

2. Zhao

3. Hu &amp; et al

### استنتاج از پیشینه‌ها

با مرور پیشینه‌ها می‌توان چنین استنتاج کرد که امروزه دانش به عنوان عمده‌ترین عامل در رشد و پیشرفت شهرهای دانش شناخته شده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت در عصر فراصنعتی مرحله جدیدی از سرمایه‌داری مبتنی بر دانش شکل گرفته است. زمانی که خلق و تولید ثروت و دارایی وابسته به دانش، فناوری و مهارت و توانایی باشد، در آن صورت دانش به عنوان مبنای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها و شهرها محسوب می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد. در شهرهای دانشی به صنایع دانش‌محور و افراد متخصص و فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان عمده‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار در رفاه و قدرت رقابت شهرها نگریده می‌شود. در شهرهای دانشی نوع دیدگاه و نگرش، توسعه‌ای است که هدف آن توسعه شهری پایدار و رونق اقتصادی است که به تطابق یافتن شهرها با اقتصاد دانشی کمک می‌کند و فرصت‌هایی را برای خلق دانش، مبادله دانش و نوآوری میان شهروندان فراهم می‌سازد. همچنین شرایطی را برای شهرها مهیا می‌سازد که در رقابت جهانی بتوانند خود را حفظ کنند. شهر دانشی در واقع به عنوان یک راهکار مناسب برای رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی است. شهرهای دانش‌بنیان شهرهایی هستند که شرایط مناسب اجتماعی، اقتصادی، فضایی و محیطی را برای فعالان دانشی فراهم می‌کنند. در حقیقت شهر دانش شهری است که دارای جامعه‌ای باز و متکثر است و فرهنگ به اشتراک‌گذاری دانش در آن جا افتاده و اقتصاد آن مبتنی بر منابع دانشی بوده و بر نوآوری و خلاقیت متکی است. با توجه به این که در پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی تأثیر شهر دانشی در انتقال دانش پرداخته نشده است و مورد بررسی قرار نگرفته است و این شکاف به چشم می‌خورد؛ بنابراین، پژوهش حاضر در نظر دارد که تأثیر مؤلفه‌های کلیدی شهر دانش بر انتقال دانش را مورد بررسی قرار دهد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی است. جهت گردآوری اطلاعات از شیوه‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده گردید. پژوهش از نظر روش، توصیفی-پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش یک پرسشنامه بسته بوده است که این پرسشنامه شامل ۱۱۰ پرسش بسته است. پرسشنامه به صورت برخط طراحی شد و توزیع گردید. پرسشنامه در حوزه مؤلفه‌ها و گویه‌های انتقال دانش بوده و دارای ۶ مؤلفه (محیطی، کارآمدی، رسانه، زمینه و بستر لازم، محتوا، بازیگران دانش) و ۷ مؤلفه کلیدی شهر دانش است. شیوه نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای است.

جهت تعیین اعتبار و روایی پرسشنامه در این پژوهش از روش روایی محتوا با نظر خبرگان استفاده شده است. برای تعیین روایی با مطالعه منابع علمی طرح اولیه پرسشنامه تهیه گردید و توسط چند نفر از اساتید و

متخصصان مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه مواردی جهت اصلاح پیشنهاد گردید و پس از اعمال اصلاحات مورد نظر، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. در این پژوهش برای تعیین پایایی پرسشنامه از دو معیار پایایی مرکب (CR) و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده گردیده است. در حالی که فرض آلفای کرونباخ مبتنی بر این است که همه شاخص‌ها به صورت برابر پایا هستند. در مدل PLS، پایایی هر شاخص به طور جداگانه ارزیابی می‌شود. در نتیجه می‌توان به ترکیب پایاتری رسید. اساتید رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی که در حوزه مدیریت دانش دارای تخصص بودند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. در پژوهش حاضر تعداد ۳۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیار انتخاب نمونه توانایی علمی آن‌ها در موضوع دانش بوده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و PLS استفاده شد.

جدول ۱. روایی همگرا و پایایی متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها	آلفای کرونباخ	مقدار روایی مرکب	میانگین واریانس
اجتماعی	۹۶۹/۰	۹۶۸/۰	۷۲۲/۰
استراتژیک	۹۷۱/۰	۹۷۱/۰	۷۲۴/۰
انتقال دانش	۹۸۲/۰	۹۸۴/۰	۶۴/۰
تکنولوژیک	۹۷/۰	۹۷۱/۰	۸۲۸/۰
سیاسی	۹۶۷/۰	۹۶۷/۰	۷۸۵/۰
مالی	۹۵۸/۰	۹۵۶/۰	۶۹/۰
محیطی	۹۴۴/۰	۹۳۸/۰	۵۷۵/۰
مدیریت شهری	۹۶۶/۰	۹۶۳/۰	۷۱/۰

با توجه به جدول فوق می‌توان اینچنین بیان کرد که آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۶ است. بنابراین، از نظر پایایی تمامی متغیرها مورد تأیید است. مقدار میانگین واریانس به دست آمده (AVE) همواره بزرگتر از ۰/۵ است، در نتیجه روایی همگرا نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین مقدار روایی مرکب (CR) نیز بزرگتر از مقدار میانگین واریانس است، پس پایایی متغیرها نیز تأیید می‌گردند.

### یافته‌های پژوهش

توصیف نمونه نشان می‌دهد که از مجموع ۳۰ نفری که در پژوهش حاضر شرکت داشتند ۲۰ نفر مرد و ۱۰ نفر زن بودند. از نظر مدرک تحصیلی نیز تمامی آن‌ها دارای دکتری تخصصی بودند.

جدول ۱. توصیف نمونه مورد مطالعه بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیرها		فراوانی
جنسیت	مرد	۲۰
	زن	۱۰
مدرک تحصیلی		دکتری تخصصی

## یافته‌ها

### پاسخ به پرسش اول پژوهش

جدول ۲. بررسی تأثیر مؤلفه شرایط اجتماعی بر مؤلفه انتقال دانش

پرسش اول: آیا شرایط اجتماعی بر انتقال دانش تأثیر دارد؟					
نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
۰/۳۳۸	۰/۲۹۷	۰/۱۶۴	۰/۴۲۲	۰/۶۷۳	عدم تأیید

با توجه به جدول فوق مقدار احتمال محاسبه شده برابر ۰/۶۷۳ است و چون این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است در نتیجه این مؤلفه در انتقال دانش مؤثر نیست و رابطه معنی‌داری ندارد.

### پاسخ به پرسش دوم پژوهش

جدول ۳. بررسی تأثیر مؤلفه وضعیت استراتژیک بر مؤلفه انتقال دانش

پرسش دوم: آیا وضعیت استراتژیک بر انتقال دانش تأثیر دارد؟					
نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
۰/۳۶۶	۰/۴۵۳	۰/۱۵۲	۲/۴۰۸	۰/۰۱۹	تأیید

با توجه به جدول فوق مقدار احتمال محاسبه شده برابر ۰/۰۱۹ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه این مؤلفه در انتقال دانش مؤثر است و رابطه معنی‌داری دارد. بنابراین فرضیه درست است.

### پاسخ به پرسش سوم پژوهش

جدول ۴. بررسی تأثیر مؤلفه وضعیت تکنولوژیک بر مؤلفه انتقال دانش

پرسش سوم: آیا وضعیت تکنولوژیک بر انتقال دانش تأثیر دارد؟					
نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
۰/۰۸۲	۰/۰۹	۰/۱۶۸	۰/۴۹	۰/۶۲۴	عدم تأیید

با توجه به جدول فوق مقدار احتمال محاسبه شده برابر ۰/۶۲۴ است و چون بیشتر از ۰/۰۵ است در نتیجه این مؤلفه در انتقال دانش مؤثر نیست و رابطه معنی‌داری ندارد، در نتیجه فرضیه رد می‌شود.

### پاسخ به پرسش چهارم پژوهش

جدول ۵. بررسی تأثیر مؤلفه شرایط سیاسی بر مؤلفه انتقال دانش

پرسش چهارم: آیا شرایط سیاسی بر انتقال دانش تأثیر دارد؟					
نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
۰/۶۴۹	۰/۶۴۷	۰/۲۴۷	۲/۶۲۷	۰/۰۰۹	تأیید

با توجه به جدول، مقدار احتمال محاسبه شده برابر  $0/009$  است و چون کمتر از  $0/05$  است در نتیجه این مؤلفه در انتقال دانش مؤثر است و دارای ارتباط معنی‌داری است، در نتیجه فرضیه تأیید می‌شود.

#### پاسخ به پرسش پنجم پژوهش

##### جدول ۶. بررسی تأثیر مؤلفه وضعیت مالی بر مؤلفه انتقال دانش

پرسش پنجم: آیا وضعیت مالی بر انتقال دانش تأثیر دارد؟					
نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
۰/۵۵۶	۰/۵۳۷	۰/۲۴	۲/۳۱۸	۰/۰۲۱	تأیید

با توجه به جدول فوق مقدار احتمال محاسبه شده برابر  $0/021$  است و چون کمتر از  $0/05$  است در نتیجه این مؤلفه در انتقال دانش مؤثر است و رابطه معنی‌داری دارد و مورد تأیید قرار می‌گیرد.

#### پاسخ به پرسش ششم پژوهش

##### جدول ۷. بررسی تأثیر مؤلفه شرایط محیطی بر مؤلفه انتقال دانش

پرسش ششم: آیا شرایط محیطی بر انتقال دانش تأثیر دارد؟					
نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
۰/۳۷۳	۰/۴۰۶	۰/۱۱۹	۳/۱۳۴	۰/۰۰۹	تأیید

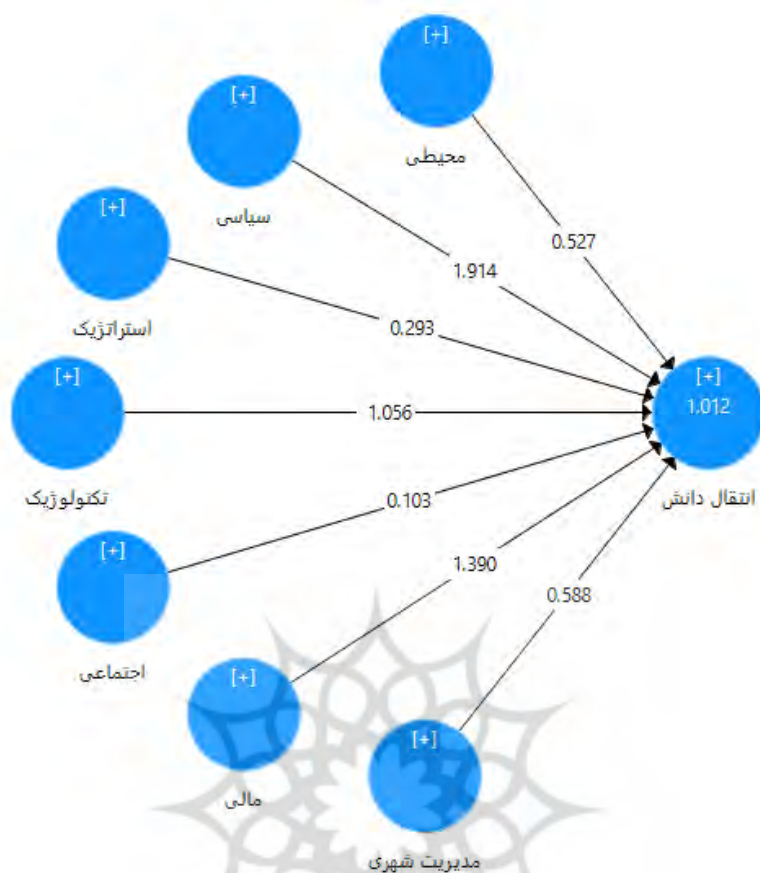
با توجه به جدول فوق مقدار احتمال محاسبه شده برابر  $0/009$  است و چون کمتر از  $0/05$  است در نتیجه این مؤلفه در انتقال دانش مؤثر است و رابطه معنی‌داری دارد.

#### پاسخ به پرسش هفتم پژوهش

##### جدول ۸. بررسی تأثیر مؤلفه مدیریت شهری بر مؤلفه انتقال دانش

پرسش هفتم: آیا نحوه مدیریت شهری بر انتقال دانش تأثیر دارد؟					
نمونه اصلی	میانگین نمونه	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
۰/۰۸۴	۰/۰۷	۰/۲۱۱	۰/۳۹۹	۰/۶۹	عدم تأیید

با توجه به جدول فوق مقدار احتمال محاسبه شده برابر  $0/69$  است و چون بیشتر از  $0/05$  است در نتیجه این مؤلفه در انتقال دانش مؤثر نیست و رابطه معنی‌داری ندارد، در نتیجه این فرضیه رد می‌شود.



شکل ۱. مدل کلی پژوهش

با توجه به شکل ۱ چنین می‌توان نتیجه گرفت که اعدادی که بر روی فلش‌هایی موجود هستند، نشان‌دهنده بارهای عاملی هستند. بارهای عاملی، مقدار همبستگی شاخص‌های یک متغیر با متغیر دیگر را محاسبه می‌کند و با توجه به این که بارهای عاملی مؤلفه‌های محیطی، سیاسی، تکنولوژیک، مالی و مدیریت شهری بیشتر از ۰/۴ هستند، بنابراین نشان‌دهنده میزان تأثیر متغیرها بر یکدیگر است و چون بزرگتر و مثبت است، پس تأثیر مستقیم و قوی و معنی‌داری وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

مفهوم شهر دانش، مفهوم جدیدی است و به سرعت در پژوهش‌های مبتنی بر دانش که پایه و اساس ظهور اقتصاد دانش و جهانی شدن است، در حال تکامل است. شهرها مکان‌هایی هستند که دانش، خلاقیت و نوآوری در آن‌ها شکوفا می‌شود. هدف شهر دانش، ایجاد، اشتراک و پرورش دانش، توسعه دانش‌بنیان و فرآیند مدیریت دانش است. شهر دانش، شهری است که به دنبال ایجاد، ترویج و انتشار دانش علمی و فناوری است. با توجه به رابطه بین پایگاه‌های دانش و ساختار اقتصادی، شرایطی فراهم می‌شود که تبادل دانش و نوآوری را تسهیل و انسان را جذب و شرکت‌های سرمایه و نوآوری را تثبیت می‌کند. بنابراین، در شهرهای دانشی به صنایع

دانش‌محور و افراد متخصص و فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان عمده‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار در رفاه و قدرت رقابت شهرها نگریده می‌شود. همان‌طور که گفته شد شهرهای دانشی می‌توانند در تبادل و انتقال دانش نقش مهمی را داشته باشند؛ به بیانی دیگر شهرهای دانشی می‌توانند شرایط و بستر لازم را برای این امر مهم فراهم آورند. در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر نقش شهرهای دانشی در انتقال دانش پرداخته شده است. مؤلفه‌های شهر دانشی که می‌توانند در انتقال دانش مورد توجه و بررسی قرار گیرند شامل مؤلفه‌های شرایط اجتماعی، وضعیت استراتژیک، وضعیت تکنولوژیک، شرایط سیاسی، وضعیت مالی، شرایط محیطی و در نهایت مؤلفه نحوه مدیریت شهری است. بر اساس بررسی‌هایی که صورت گرفت، بین مؤلفه شرایط اجتماعی و انتقال دانش رابطه معنی‌داری وجود ندارد. منظور این است که شرایط و موقعیت اجتماعی همچون مشارکت اجتماعی و همگانی، ارتقای مهارت‌های شغلی، افزایش قابلیت‌های کارآفرینی، برقراری عدالت اجتماعی و مواردی از این قبیل نمی‌تواند در نحوه انتقال دانش مؤثر واقع شود و نقشی را ایفا کند. بنابراین، شرایط اجتماعی در انتقال دانش نمی‌تواند نقش معنی‌داری داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که نیاز است در حوزه شرایط اجتماعی حاکم در شهر دانش از سوی مسئولین مربوطه تمرکز صورت گیرد تا در جهت رفع نقاط ضعف آن برآیند.

در حوزه وضعیت استراتژیک با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت که وضعیت استراتژیک بر انتقال دانش می‌تواند مؤثر باشد. در وضعیت استراتژیک عواملی مانند استراتژی شهر هوشمند، جذب سرمایه خارجی، دولت الکترونیک، مشارکت راهبردی شبکه‌سازی می‌تواند در انتقال مؤثر دانش نقش داشته باشد. زمانی که استراتژی‌ها و راهبردهای انتخابی به درستی مورد استفاده قرار بگیرد و چشم‌اندازهای استراتژیک و برنامه توسعه به صورت بلند مدت صورت گیرد، به طور حتم می‌تواند در تسهیم صحیح دانش نقش بسزایی داشته باشد. بنابراین، در یک شهر دانشی می‌توان گفت که استراتژی مناسب و صحیح می‌تواند در انتقال دانش نقش مهمی را بروز دهد و برای تقویت و بهبود این مؤلفه دقت شود.

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در شهر دانشی می‌تواند در انتقال دانش مورد توجه قرار گیرد، وضعیت تکنولوژیکی است. بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت که وضعیت تکنولوژیکی نمی‌تواند در انتقال دانش مؤثر واقع شود پس رابطه معنی‌داری بین این دو مؤلفه وجود ندارد. منظور این است که در انتقال دانش مواردی مانند دیجیتالی کردن، ارتقای سطح دانش و ایجاد پورتال دانشی نمی‌توانند نقش داشته باشند. شرایط سیاسی نیز از جمله مؤلفه‌های دیگری از شهر دانش است که تأثیر آن بر انتقال دانش مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت شرایط سیاسی می‌تواند در انتقال دانش تأثیر داشته باشد. نیاز است که در شرایط سیاسی، قوانین و مقررات و سیاست‌های شفاف و جامعی تدوین شود و رهبری قدرتمندی



نیز وجود داشته باشد و همچنین باید چارچوبی حقوقی مورد توجه قرار گیرد و بر اساس آن چارچوب پیش روند.

همچنین در پژوهش حاضر نشان داده شد که با توجه به مقدار احتمال کسب‌شده بین وضعیت مالی و انتقال دانش رابطه معنی‌داری وجود دارد و می‌تواند مؤثر واقع شود. منظور این است که در صورتی که امنیت اقتصادی لازم حاکم باشد، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای رونق اقتصادی صورت می‌گیرد و همچنین بودجه کافی برای کارآفرینان کسب و کارهای نوین اختصاص داده می‌شود و همچنین میان درآمد و ثروت جامعه توازن وجود دارد و مواردی از این قبیل می‌تواند از جمله عوامل مالی باشند که می‌تواند در بستر انتقال دانش نقش داشته باشند.

شرایط محیطی از دیگر عواملی است که می‌تواند به عنوان یک مؤلفه شهر دانشی در انتقال دانش مؤثر واقع شود. با توجه به مقدار احتمال به دست آمده در پژوهش حاضر می‌توان این چنین بیان کرد که شرایط محیطی در انتقال دانش نقش مؤثری دارد. به بیانی دیگر می‌توان گفت که شرایط محیطی همچون فراهم بودن زیرساخت‌های پایدار شهری، تعدد طرح‌های توسعه شهری پایدار، هویت شهری، وجود و امکان دسترسی عادلانه اجتماعی و فیزیکی همگان به مراکز علمی و آموزشی، تراکم جمعیتی مطلوب و مواردی از این قبیل است. بنابراین، در شهر دانشی برای بهبود فرایند انتقال دانش نیاز است که به مؤلفه محیطی نیز توجه ویژه‌ای شود و در جهت رفع نواقص موجود در این حیطة و تقویت نقاط قوت این حوزه تلاش شود.

آخرین مؤلفه مورد بررسی قرار گرفته در این پژوهش مؤلفه مدیریت شهری است. با توجه به یافته‌های کسب شده می‌توان گفت که نحوه مدیریت شهری نمی‌تواند در انتقال دانش مؤثر واقع شود و نیاز است که به نقاط ضعف موجود در این مؤلفه دقت شود و در جهت رفع آن اقدام شود. به طور کلی، می‌توان گفت که از بین مؤلفه‌های کلیدی شناسایی شده شهر دانشی که می‌تواند در انتقال دانش تأثیر مستقیم و معنی‌داری داشته باشد شامل مؤلفه‌های استراتژیک، مالی، سیاسی و محیطی است. بنابراین، ضروری به نظر می‌رسد که مسئولان مربوطه باید به این مؤلفه‌های تأثیرگذار توجه نموده و در جهت بسترسازی شرایط مناسب برای توسعه و تقویت این مؤلفه‌ها باشند. بررسی و مرور پیشینه‌های انجام شده نیز در حوزه شهر دانش نشان داد که این موضوع در عصر حاضر از اهمیت فراوانی برخوردار است و برای توسعه و پیش‌روی نیاز است که بسیار عمیق مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. در پژوهش مهدنژاد و زنگانه (۱۴۰۲) نشان داده شد که مدل نظری ارائه شده برای یک شهر دانش منوط به وجود شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، مقوله‌محوری، پیامدها و راهبردهاست. همچنین در پژوهش عابدینی و دیگران (۱۳۹۹) نیز نتایج نشان داد که کلیه شاخص‌های مبتنی بر دانش در کلان‌شهر تبریز در وضعیت مطلوبی قرار دارد و همچنین این کلان‌شهر پتانسیل و زمینه‌های لازم برای تبدیل شدن به یک شهر

دانش‌بنیان را دارد. رفیعیان و حق‌روستا (۱۳۹۸) و رفیعیان و مرتضوی (۱۳۹۵) در پژوهش‌های خود به بررسی اهمیت شهرهای دانشی پرداختند و دریافتند که برنامه‌ریزی خردگرا و جامع‌گرا تحت تأثیر اقتصاد سرمایه‌داری است و همچنین شهرهای امروزی در صورتی که بر پایه دانش و برخوردار از شهروندانی دانشی باشند، به خوبی قادر خواهند در مدار توسعه پایدار به حرکت و رشد پرشتاب خود ادامه دهند و نقش اساسی در پیشبرد اهداف اقتصاد دانش‌بنیان به عهده بگیرند. در پژوهش برازی و مشرف‌جوادی (۱۳۹۴) نیز به نقش کارگزاران دانشی اشاره شده و بیان کردند که دلایلی متعددی از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان پیشران‌های مهاجرت کارکنان و کارگران به این شهر وجود دارد. خوارزمی و ربانی‌ابوالفضل (۱۳۹۳) در پژوهش خود بیان داشتند که با بررسی معیارهای حاکم در شهرهای دانش، الگویی در چهار قلمرو اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و مدیریتی ارائه گردید. هو و دیگران (۲۰۲۱)، ژائو (۲۰۲۰)، تولی و دیگران (۲۰۱۹) در پژوهش‌های خود به بررسی شهر دانش و توسعه و نوآوری و برنامه‌ریزی شهری پرداختند. همچنین، تولی (۲۰۱۸) در پژوهش خود به اهمیت تنوع اقتصاد دانش، جذب و حفظ استعداد‌های متحرک جهانی و توسعه شهری نوآورانه‌محور برای یک شهر دانش جهانی اشاره کردند. آدامز و کراس (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به مزایای بالقوه کارایی برای ارتقا به شهر دانشی، مانند مقرون به صرفه بودن، دسترسی، آموزش با کیفیت عالی، ایجاد شغل، افزایش صادرات و ارتقای وضعیت اقتصادی اشاره کردند. بولو و دیگران (۲۰۱۴) و ریوز و دیگران (۲۰۱۴) و کاپلن (۲۰۱۱) در پژوهش‌های خود به بررسی الگوریتم‌های کاربردی فناوری اطلاعات در شهر دانش، ساخت شاخص شهر دانش و رشد شهر دانشی پرداختند و بیان کردند که هدف مهم شهرهای دانش‌بنیان نوظهور حفظ شرایط زندگی با کیفیت بالا برای ساکنان آن است و همچنین شهرهایی که دارای توازن بهتر بین عوامل دانش و رشد پایدار هستند، موضع‌های بالا را اشغال می‌کنند و ظرفیت بیشتری برای رشد دانش‌بنیان دارند.

بر اساس بررسی پیشینه‌های صورت گرفته در حوزه شهر دانشی این نکته استنباط می‌شود که شهر دانشی در واقع به عنوان یک راهکار مناسب برای رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی است. در شهر دانشی به وجود ۶ بعد اقتصادی دانش‌محور، جامعه دانش‌محور، دولت دانش‌محور، محیط دانش‌محور، سلامت دانش‌محور و امنیت دانش‌محور اشاره شده است. شهر دانشی یعنی از برنامه‌ریزی اقتصاد سرمایه‌داری به سمت رویکرد مبتنی بر برنامه‌ریزی دانش‌محور حرکت شده است. شهرهای دانش‌بنیان شهرهایی هستند که شرایط مناسب اجتماعی، اقتصادی، فضایی و محیطی را برای فعالان دانشی فراهم می‌کند. در حقیقت شهر دانش شهری است که دارای جامعه‌ای باز و متکثر است و فرهنگ به اشتراک‌گذاری دانش در آن جا افتاده و اقتصاد آن مبتنی بر منابع دانشی بوده و بر نوآوری و خلاقیت متکی است. در پژوهش حاضر نیز به بررسی تأثیر مؤلفه‌های شهر دانش در انتقال دانش پرداخته شد که ۷ مؤلفه شناسایی و نقش آن‌ها در حوزه انتقال دانش مورد بررسی قرار گرفت.

### پیشنهادها

۱. نظارت بر شیوه مؤثر مدیریت شهری و بهبود آن در بسترسازی انتقال دانش
۲. فراهم نمودن شرایط محیطی مناسب در انتقال دانش
۳. تخصیص بودجه کافی و لازم در بسترسازی انتقال دانش
۴. مهیا ساختن زیرساخت‌های فناوری لازم در حوزه انتقال دانش
۵. وضع راهبردهای صحیح و مناسب در انتقال دانش

### سیاسگزاری

اینجانب بر خود لازم می‌دانم از استاد عزیزم پروفسور محمد حسن زاده عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و همچنین از سرکار خانم دکتر زهرا رزمی عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س) به خاطر نظرات ارزشمندشان در حوزه تدوین پرسشنامه این پژوهش، تشکر و قدردانی نمایم.

### منابع

- برازی، علیرضا؛ مشرف جوادی، محمدجواد (۱۳۹۴). نقش کارگزاران دانشی مهاجر در توسعه شهر دانش محور. هشتمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت دانش، تهران. <https://civilica.com/doc/532920>
- خوارزمی، امیدعلی؛ ربانی ابوالفضل، غزاله (۱۳۹۳). رویکرد توسعه شهری دانش محور مبتنی بر فناوری اطلاعات. اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران. <https://civilica.com/doc/361703>
- رزمی، زهرا؛ مؤمنی، معصومه؛ جعفری، معصومه (۱۳۹۵). شهر دانش و تأثیر آن بر سرریز دانش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س).
- رفیعیان مجتبی؛ حق روستا سمیه (۱۳۹۹). شهر دانش محور؛ حلقه ضروری اتصال به شهر آینده. فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده، ۱(۱)، ۶۲-۵۱.
- رفیعیان، مجتبی؛ مرتضوی، ماندانا (۱۳۹۵). اهمیت توسعه دانش بنیان شهری و شهر دانش مدار در اقتصاد دانش بنیان. همایش بین‌المللی اقتصاد شهری، تهران. <https://civilica.com/doc/510550>
- عابدینی، اصغر؛ خلیلی، امین؛ خرم، فائزه؛ قربانی، شیوا (۱۳۹۹). امکان‌سنجی اجرای شهر دانش بنیان در کلان‌شهر تبریز با رویکرد توسعه مبتنی بر دانش. مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۷(۲۴)، ۱۵۵-۱۷۵.
- ملایی، مصطفی؛ حبیبیان، سجاد (۱۳۹۱). ارائه مدلی تعاملی در جامعه دانایی محور در خصوص شکل‌گیری کسب و کارهای دانش بنیان در افق ۱۴۰۴. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، دانشگاه مازندران.
- مهدنژاد، حافظ؛ زنگانه، احمد (۱۴۰۱). آرایه مدل مفهومی توسعه شهری دانش بنیان به منظور برنامه‌ریزی و مطلوبیت‌بخشی شهرهای آینده: یک مطالعه کیفی. فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده، ۴(۲)، ۴۹-۷۱.

## References

- Abedini, A., Khalili, A., Khorram, F., & Ghorbani, S. (2020). The feasibility of implementing a knowledge-based city in Tabriz metropolis with a knowledge-based development approach. *Studies of urban structure and function*, 7(24), 155-175. (in Persian)
- Brazi, A. R., & Musharraf Javadi, M. J. (2015). The role of immigrant knowledge workers in the development of a knowledge-centered city. *The 8th National Conference and the 2nd International Conference on Knowledge Management*, Tehran. (in Persian)
- Bulu, M., Onder, M., & Aksakalli, V. (2014). Algorithm-embedded IT applications for an emerging knowledge city: Istanbul, Turkey. *Expert Systems with Applications*, (41), 5625–5635.
- Cheng, P., Choi, C., Chen, S., Eldomyaty, T., & Millar, C. (2004). Knowledge Repositories in Knowledge Cities: Institutions, Conventions and Knowledge Sub networks. *Journal of Knowledge Management*, 8(5), 96-106.
- Edvinsson, L. (2006). Aspects on the city as a knowledge tool. *Journal of Knowledge Management*, 10(5), 45-56.
- Ergazakis, K., & Metaxiotis, K. (2004). Towards knowledge cities: conceptual analysis and success stories. *Journal of Knowledge Management*, 8(5), 5-15.
- Ergazakis, K., Metaxiotis, K., Psarras, J., & Askounis, D. (2006). A unified methodological approach for the development of knowledge cities. *Journal of Knowledge Management*, 10(5), 65-78.
- Hu, T., Pan, S., & Lin, H. (2021). Development, Innovation, and Circular Stimulation for a Knowledge-Based City: Key Thoughts, *Energies*, 14(1), 1-19.
- Kharazmi, O. A., & Rabbani Abolfazli, G. (2014). Knowledge-based urban development approach based on information technology. *The first national conference on urban planning, urban management and sustainable development*, Tehran, <https://civilica.com/doc/361703>. (in Persian)
- Liyanage, C., Elhag, T., Ballal, T., & Li, Q. (2009). Knowledge communication and translation - a knowledge transfer model. *Journal of Knowledge Management*, 13(3), 118–131.
- Melai, M., & Habibiyan, S. (2012). Presenting an interactive model in the knowledge-based society regarding the formation of knowledge-based businesses in the horizon of 1404. *National conference on entrepreneurship and management of knowledge-based businesses*, Mazandaran University. (in Persian)
- Mehdanjad, H., & Zanganeh, A. (2022). Presenting a conceptual model of knowledge-based urban development in order to plan and optimize future cities: a qualitative study. *Future Cities Vision Quarterly*, 4(2), 49-71. (in Persian)
- Ovalle, M., Marquez, J., & Salomon, S. (2004). A compilation of resources on knowledge cities and knowledge-based development. *Journal of Knowledge Management*, 8(5), 107–127.
- Pehrsson, A. (2007). The “Strategic States Model”: strategies for business growth. *Business Strategy Series*, 8(1), 58-63.

- Razmi, Z., Momeni, M., & Jafari, M. (2016). *Knowledge city and its impact on knowledge spillover*. Master's thesis in the field of information technology management, Faculty of Social Sciences and Economics, Al-Zahra University (S). (in Persian)
- Rafiyan, M., & Haqrosta, S. (2019). Knowledge-oriented city, a necessary link to the city of the future. *Future Cities Vision Quarterly*, 1(1), 51-62. (in Persian)
- Rafiyan, M., & Mortazavi, M. (2015). The importance of urban knowledge-based development and knowledge-based city in knowledge-based economy. *International Urban Economy Conference*, Tehran. <https://civilica.com/doc/510550>. (in Persian)
- Ruiz, V., Navarro, J., & Pena, D. (2014). Knowledge-city index construction: An intellectual capital perspective, *Expert Systems with Applications*.
- Tuli, S. (2018). *Migration and the Knowledge City: A Case Study of Global Melbourne*. Ph.D. Thesis, University of Canberra.
- Tuli, S., Hu, R., & Dare, L. (2019). Planning a global knowledge city: experience from Melbourne, Australia, *International Journal of Knowledge-Based Development*.
- Wang, X., & Lihua, R. (2006). Examining knowledge management factors in the creation of new city: Empirical evidence from Zhengdong New District, Zhengzhou, China. *Journal of Technology Management in China*, 1(3), 243-261.
- Zhao, P. (2020). Building knowledge city in transformation era: Knowledge based urban development in Beijing in the context of globalisation and decentralisation. *Asia Pacific Viewpoint*, 51(1), 73-90